

علت یابی افزایش برخی از جرایم و پیشگیری از آن ها در پرتو نظریه یادگیری اجتماعی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۹/۱۸)

دکتر راضیه صابری

استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی

دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

زمینه و هدف: نظریه یادگیری اجتماعی ایگز که با عنوان نظریه تقویت افتراقی شناخته شده چهار عنصر مهم یعنی، همنشینی افتراقی، تعاریف افتراقی، تقویت افتراقی و الگوهای افتراقی را به عنوان عوامل یادگیری رفتار انحرافی مطرح کرده است. با استفاده از این نظریه و با تمسک به چهار متغیر آن می توان به تجزیه و تحلیل جرم شناسانه و علت افزایش برخی از وقایع جنایی پرداخت. هدف از پژوهش حاضر بررسی علل افزایش و ارائه راهکارهای پیشگیرانه در خصوص سه پدیده مجرمانه داخلی، یعنی فساد اداری (با تاکید بر رشوه و اختلاس)، خشونت- خانگی و قتل های ناموسی (با تاکید بر پرونده قتل رومینا اشرفی) و وندالیسم معترضین و پدیده شایع بین المللی، یعنی گسترش شبکه های تروریستی با تمسک به نظریه یادگیری اجتماعی می باشد. روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است که داده های آن با روش کتابخانه ای از اسناد و قوانین و مقررات مرتبط جمع آوری شد.

یافته ها و نتایج: برای پیشگیری از افزایش جرایم فساد اداری، خشونت خانگی و وندالیسم معترضین و همچنین گسترش شبکه های تروریستی از منظر یافته های تئوری یادگیری اجتماعی لازم است از رسانه ای شدن بیش از حد و غیر کارشناسانه چنین رفتارهای مجرمانه ای خودداری گردد. دوره های آموزشی در برنامه آموزشی ادارات گنجانده شود که بر صداقت کاری کارمندان تاکید گردد.

واژگان کلیدی: یادگیری اجتماعی، فساد اداری، قتل های ناموسی، وندالیسم، شبکه های

تروریستی، راهکارهای پیشگیرانه

مقدمه

نظریه یادگیری اجتماعی برای اولین بار توسط رونالد ایکرز^۱ در حوزه جامعه‌شناسی مطرح شده است (Akers, ۲۰۰۷, p. ۶۳۶-۶۵۵). یادگیری اجتماعی به نقش متغیرها در وقوع جرایم و انحرافات توجه ویژه می‌کند. فرایند یادگیری اجتماعی پویا و شامل تأثیرات متقابل و دوجانبه است. تقویت کردن محرک و پاسخی که دریافت می‌شود، به تکرار رفتار منجر می‌گردد. افراد از طریق تقویت به ادامه رفتار می‌پردازند. رفتار از طریق پاداش (تقویت مثبت) و اجتناب از تنبیه (تقویت منفی) به شدت تقویت می‌شود و رفتار از طریق محرک تضعیف شده (تنبیه مثبت) یا افزایش تنبیه کاهش پیدا می‌کند. پس استمرار یا توقف یک رفتار به پاداش و تنبیه رفتار انحرافی در گذشته و حال و همچنین، به پاداش و تنبیهی که برای رفتارهای جایگزین وجود دارد، بستگی پیدا می‌کند. از نظر ایکرز، تقویت‌کننده‌ها هم می‌توانند اجتماعی و غیراجتماعی باشند؛ اما تقویت‌کننده‌های اجتماعی در بروز یک رفتار اهمیت بیشتری دارند (Akers & Gary, ۱۹۸۰, p. ۴۰۰-۴۳۰).

نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز، یادگیری را در ارتباط با پیامدهای رفتار می‌داند. برجس و ایکرز اظهار می‌دارند که همچون تمامی رفتارها، رفتار بزهکارانه نتیجه محرک‌ها یا واکنش‌های دیگران نسبت به آن رفتار است. بر مبنای بسط این نظریه، افراد رفتار اجتماعی را از طریق شرطی شدن یا الگوگیری مستقیم از رفتار دیگران یاد می‌گیرند. همچنین، رفتار از طریق پاداش یا تقویت مثبت، تقویت می‌شود و با فقدان پاداش (مجازات منفی) یا مجازات واقعی (مجازات مثبت یا صریح) تضعیف می‌گردد (Burgess & Akers, ۱۹۶۶, p. ۲۸-۱۴۷). از این رو، اگر رفتار فرد تقویت شود، منجر به تکرار رفتار خواهد شد؛ به تعبیری دیگر، رفتار یاد گرفته شده است. همین‌طور اگر فرد بعد از یک رفتار معین تنبیه شود، یاد می‌گیرد که از تکرار رفتار اجتناب کند. بنابراین، اگر به افراد منحرف به خاطر انحراف گذشته‌شان، به جای تنبیه شدن، پاداش داده شود و آن‌ها به خاطر انحرافشان مورد تشویق نیز قرار گیرند به طور مداوم دست به اعمال انحرافی می‌زنند. تکرار و شدت روی دادن پیامد یک رفتار و همچنین وقوع پیامد بعد از رفتار و زمان وقوع پیامد، یعنی اینکه بلافاصله بعد از رفتار یا با تأخیر می‌آید، عواملی

^۱ . Ronald Akers

هستند که بر رفتار تأثیر گذارند. بنابراین فرد با اشکال متنوعی از رفتار روبه‌رو است؛ و لذا برخی از اشکال رفتار بر دیگر اشکال ترجیح داده خواهد شد و این به دلیل بازخورد اجتماعی رفتار، یعنی تقویت یا تنبیه، می‌باشد. بر مبنای نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان به تحلیل جرایم-مختلف پرداخت. در این نوشتار سعی شده علل افزایش چند پدیده مجرمانه که چند سالی است نظام جمهوری اسلامی ایران به شدت با آن درگیر شده با تمسک به این نظریه مورد واکاوی قرار گیرد و راهکارهای پیشگیرانه مناسب ارائه گردد. هدف آن است که مشخص گردد آیا علت افزایش جرایم رشوه و اختلاس، قتل‌های ناموسی، و نداليسم معترضين و تروريسم بين‌المللی را می‌توان در چهارچوب نظریه یادگیری اجتماعی و متغیرهای چهارگانه آن تحلیل نمود و متناسب با این تحلیل راهکارهای پیشگیرانه ارائه داد؟

در خصوص جرایم مورد مطالعه در نوشتار حاضر مطالعات جرم‌شناختی مختلفی انجام شده که به دنبال واکاوی علل تحقق این نوع جرایم هستند. برای مثال در خصوص فساد اداری، فرجیها و جوادی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «مطالعه جرم‌شناسی تخلفات و فساد اداری در بین کارکنان سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان» به بررسی علل فساد اداری به صورت میدانی و در قالب تهیه پرسش‌نامه پرداخته‌اند. همچنین راز، زین‌جوی‌الوار و هادی-زاده (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی فساد اداری و ساز و کارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در ایران» به بررسی کلیه ابعاد جامعه‌شناسی فساد اداری در ایران به صورت کتابخانه‌ای پرداخته‌اند.

در مورد خشونت‌خانگی و با تأکید بر قتل‌های ناموسی نیز کرمی (۱۳۹۸) در رساله خود با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی پدیده قتل‌های ناموسی (به‌خاطر شرف) در استان خوزستان در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴» با رویکرد میدانی به بررسی علل مختلف قتل‌های ناموسی پرداخته است. همچنین ریاحی و اسمعیلی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش به قتل‌های ناموسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهر مریوان» به صورت میدانی این پدیده-مجرمانه را در شهر مریوان بررسی کرده‌اند.

در مورد پدیده مجرمانه رفتارهای ونداليستي نیز اسماعیلی، هوشیاری و کلانتری (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی و نداليسم (مطالعه در ایران)» به بررسی جامعه‌شناختی-

سیاسی وندالیسم به روش کتابخانه‌ای پرداخته‌اند. علاوه بر این، هوشیاری، اسماعیلی و کلانتری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر کنترل کیفی در مقابله با وندالیسم» اثرگذاری کیفی بر کنترل وندالیسم را بررسی کرده‌اند. همچنین بخارایی و شربتیان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی» (مطالعه موردی: در کلانشهر مشهد) با استفاده از روش پیمایشی به تحلیل مقایسه‌ای عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز رفتارهای وندالیستی بین گروه‌های وندال و غیروندال در کلانشهر مشهد پرداخته‌اند.

در نهایت در خصوص علل جرم‌شناختی فعالیت‌های تروریستی جلالی، میرخلیلی، حیدری، شیداییان و پیرانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه جرم‌شناختی تروریسم دینی از منظر اخلاق شیعی» تروریسم را در پرتو جرم‌شناسی دینی با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. احمدی‌انگالی، کریمی‌خنجر و زلقی (۱۴۰۰) در کتابی با عنوان «تحلیل حقوقی-جرم-شناختی تروریسم» پدیده تروریسم را از دو بعد حقوقی و جرم‌شناختی بررسی کرده‌اند.

با این وجود، در خصوص تحلیل جرایم با تأکید بر نظریه یادگیری اجتماعی تنها دو اثر مشاهده شد. نخست پژوهش علیوردی‌نیا و حبیبی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان پسر نسبت به خشونت علیه زنان در بستر خانواده: آزمون تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایکز» است. در این پژوهش، نشان داده شده تنها سه متغیر پیوند افتراقی، تعاریف خنثی‌کننده و بازدارندگی تصویری از بقیه مهمتر بوده‌اند و قابلیت به کارگیری در تبیین نگرش دانشجویان پسر دانشگاه مازندران نسبت به خشونت علیه زنان را دارد. دیگری مقاله علیوردی‌نیا، جانعلیزاده و عمرانی-دهکهان (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی نقش یادگیری اجتماعی در تقلب دانشجویان» است. در این پژوهش به اثبات رسید که فرضیه مبتنی بر پیوند افتراقی از حمایت‌های مبتنی بر تعاریف، عکس‌العمل و پاداش از حمایت میانه‌ای برخوردار شده‌اند، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر اینکه تقلب دانشجویان تابعی از یادگیری اجتماعی است تأیید شد.

بخش اول: مبانی نظری

از نظر ایکز روند یادگیری که باعث ایجاد و حفظ رفتار بزهکارانه می‌شود، عمدتاً شامل تعامل با دیگرانی می‌شود که درگیر در رفتار انحرافی هستند، از رفتار انحرافی حمایت می‌کنند، انحراف را تقویت می‌کنند و یکدیگر را در معرض الگوهای انحرافی می‌گذارند.

نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز حول چهار متغیر اصلی سازماندهی شده است: ۱- ارتباط و تعامل اجتماعی (همنشینی افتراقی)، ۲- دریافت پاداش و یا تنبیه به خاطر رفتار و یا مشاهده این پاداش و تنبیه در رفتار دیگران (تقویت افتراقی)، ۳- تقلید و ۴- در معرض تعاریف مطلوب یا نامطلوب قرار گرفتن (تعاریف افتراقی). این متغیرها خود متأثر از فرهنگ عمومی، ساختار جامعه، گروه‌ها و زمینه‌های تعامل اجتماعی در محیط، حجم و اندازه جامعه می‌باشند (Sellers, ۱۹۸۹, p. ۶۲۵-۶۳۸ Akers, La Greca, Cochran &).

همنشینی افتراقی: همنشینی افتراقی به فرآیندی برمی‌گردد که افراد به واسطه آن در زمینه‌های اجتماعی متفاوت عمل می‌نمایند، در معرض تعاریف هنجاری موافق و ناموافق با رفتار مجرمانه و قانونی قرار رفته و در نهایت آن‌ها را یاد می‌گیرند (Akers, ۱۹۹۴, p. ۹۶). اگرچه خانواده و گروه‌های همسال مهمترین گروه‌های اجتماعی هستند که در آن همنشینی افتراقی رخ می‌دهد، اما سایر زمینه‌ها مانند مدارس می‌تواند به‌طور برابر برای یادگیری تعاریف-هنجاری مهم باشند. ایکرز اظهار می‌دارد احتمال بزهکاری در همنشینی‌های افتراقی با همسالان منحرف بیشتر است و دیگر اینکه هر سطحی از درگیری در بزهکاری که وجود داشته باشد از طریق همنشینی افتراقی با همسالان منحرف افزایش می‌یابد (Akers, ۱۹۹۹, p. ۴۸۱). جوانان از طریق اجتماع صمیمی با دوستان خود و برقراری رابطه-دوستانه و چهره به چهره، جذب گروه بزهکار می‌شوند. نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات در فرایند یادگیری در جامعه‌ای از یک نسل به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند (Piquero ۱۰۸-۸۹, ۲۰۰۴, & Chappell). همچنین ایکرز دریافت با وجود اینکه بزهکاری از تأیید اجتماعی رفتار بزهکارانه توسط همسالان ناشی می‌شود، با این نظریه هم‌سازگار است که بزهکاران همنشینی با همسالانی را برمی‌گزینند که شیوه زندگی آنان را تأیید می‌کنند (Rebellion, ۲۰۰۶, p. ۳۸۹). بنابراین، ایکرز مشخص نمود همنشینی‌های افتراقی، گذشته از

۱. see:

- Akers, Krohn, Lanza-Kaduce & Radosevich, ۱۹۷۹, p. ۶۳۶-۶۵۰.
- Winfree Jr, Backstrom, Mays, ۱۹۹۴, p. ۱۴۷-۱۷۷.
- Akers & Jensen, ۲۰۰۶, p. ۳۷-۷۶.
- Skinner & Fream, ۱۹۹۷, p. ۴۹۵-۵۱۸.
- Rebellion, ۲۰۰۶, p. ۳۸۷-۴۱۱.
- Strickland, ۱۹۸۲, p. ۱۶۲-۱۶۷.

اینکه در رابطه علی ابتدا می‌آیند، حداقل دو منشأ دارند: همسالان و سایر افراد مهم (Akers, ۱۹۷۷, p. ۶۳۸).

تقویت افتراقی: تقویت‌کننده‌های اجتماعی بخش عمده متغیرهای نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز را شکل می‌دهند. از این رو، یک جزء مهم در تئوری یادگیری اجتماعی ایکرز شرطی- شدن ابزاری است. رفتار یا کسب می‌شود یا به وسیله اثرات، نتایج و پیامدهایی که بر روی محیط شخص دارد شرطی می‌شود (Akers, ۱۹۸۵, p. ۴۶۲). به علاوه، ایکرز معتقد است فرآیندهای اصلی که به وسیله آن شرطی شدن ابزاری به دست می‌آیند، تقویت‌کننده‌ها و تنبیه است. رفتار موقعی تقویت می‌شود که موارد مکرری با یک پاسخ از طرف دیگران مواجه شود که بازیگر این صحنه را در شرایط مشابه در این رفتار درگیر می‌کند و در نتیجه این رفتار تکرار می‌شود. در حقیقت، ایکرز معتقد است برخی اوقات رفتار ما با عکس العمل دیگران مواجه می‌شود که تحت تأثیر آن عکس العمل در شرایط مشابه ما همان رفتار را تکرار می‌کنیم. تقویت‌کننده‌ها یا مثبت (دریافت یک پاداش) و یا منفی (برداشته شدن یک تنبیه) هستند. ایکرز بیشتر بین تقویت‌کننده‌های اجتماعی و غیراجتماعی تمایز می‌گذارد؛ تمایز اصلی این است که تقویت‌کننده‌های غیراجتماعی بدون هیچ شرطی در سطحی فیزیولوژیک پاداش‌دهنده هستند در حالی که تقویت‌کننده‌های اجتماعی نیاز به سایر افراد انسانی دارند تا در صورتی که تفسیرشان این بود که وضعیت یا نتایج، مورد تأییدشان است به کنشگر کمک کنند (Akers, ۱۹۸۵, p. ۴۶۳-۴۶۶).

به‌طور مشابه، نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز تأکید زیادی بر نقش تنبیه‌کننده‌ها در از بین بردن رفتار دارد. همانند مورد تقویت‌کننده، تنبیه ممکن است با افزایش یا کاهش حوادث تحریک‌کننده رخ دهد. یک رفتار وقتی تنبیه می‌شود که پاسخ دیگران به گونه‌ای است که فرد به تکرار آن رفتار در شرایط مشابه تشویق نمی‌شود و در نتیجه این رفتار کاهش می‌یابد. به علاوه، ایکرز دریافت که تنبیه‌کننده‌ها ممکن است تقویت‌های افتراقی اجتماعی یا غیراجتماعی یا حتی ترکیبی از این دو باشند.

تقلید افتراقی: نظریه یادگیری اجتماعی بر این مبنا استوار است که رفتار هم از طریق شرطی سازی رفتاری مستقیم، یعنی تقویت افتراقی و هم از طریق تقلید و الگوبرداری از رفتار دیگران

حاصل می‌شود. افراد در تعامل یا هویت‌یابی با گروه‌های مهم در زندگیشان یاد می‌گیرند که در برابر رفتاری خاص که در اینجا منظور تعریف‌های مصطلح (بد یا خوب، درست یا غلط) است، رفتارهای هنجارآمیز از خود نشان دهند (Akers, La Greca, Cochran & Sellers, ۱۹۸۹, p. ۶۲۶). نظریه یادگیری اجتماعی بر این فرض استوار است که انسان‌ها رفتارشان را از طریق مشاهده رفتار دیگران و الگو قرار دادن آنچه انجام می‌دهند، یاد می‌گیرند و به آنان یاد می‌دهد که چگونه پرخاشجو و خشونت‌گرا، تقلب‌کننده در امتحان، رشوه‌بگیر در محیط اداری و باشند. فرایندهایی که در کانون این نظریه قرار دارد، مدل‌بندی یا به اصطلاح دیدن و عمل کردن نام دارد که در آن فرد رفتارهای شناختی و اجتماعی را از طریق مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و این یادگیری از طریق مشاهده پاداش‌ها و مجازات اعمال شده، تقویت می‌شود. مردم غالب نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی را صرفاً با مشاهده نگرش‌ها و رفتارهای دیگران می‌آموزند یا به عبارتی از آن‌ها سرمشق می‌گیرند. نهایتاً اینکه از منظر ایکرز تقلید به الگوبرداری از رفتار معین از طریق مشاهده دیگران برمی‌گردد. منابع تقلید یا الگوبرداری، از گروه‌های اجتماعی برجسته مانند والدین، همسالان، معلمین و سایر منابع مانند رسانه‌ها برمی‌خیزد. مدل‌های مشاهده‌شده مهم در گروه‌های اولیه و در رسانه بر هر دوی رفتارهای منحرفانه و اجتماعی تأثیر خواهد گذاشت (Lee & Akers, ۱۹۹۶, p. ۳۱۷-۳۴۳).

تعاریف افتراقی: تعاریف رفتارهایی هستند درباره رفتاری خاص که از طریق فرآیند همنشینی افتراقی، تقلید و تعامل یا مواجهه کلی با منابع یادگیری که در محیط اجتماعی یک فرد قرار دارند، آموخته می‌شوند (Akers, ۱۹۹۴, p. ۹۷). همچون ساترلند، ایکرز معتقد است که تعاریف، معانی هنجاری هستند که بر رفتار داده می‌شوند (Akers, ۱۹۸۵, p. ۴۵۹). یعنی اینکه یک رفتار را اینگونه تعریف می‌کنند که یا خوب است و یا خوب نیست. بنابراین تعاریف رفتار، هم از نظر ساترلند و هم ایکرز، اجزاء اخلاقی تعامل اجتماعی است که بیان‌کننده درستی یا نادرستی یک چیز است. لیکن برخلاف ساترلند، ایکرز این تعاریف را با عنوان رفتار شفاهی می‌خواند و اشاره می‌کند که آن‌ها مانند هر رفتار دیگری که قابلیت یادگیری دارند، یاد گرفته می‌شوند. زمانی که تعاریف یاد گرفته شد، به شکلی از انگیزه‌های متمایز یا نشانه‌هایی در مورد نتایج مورد انتظار از دیگر رفتارها تبدیل می‌شوند. ایکرز تعاریفات متفاوت را به عنوان یک

ساختمان و سازه می‌بیند و بیان می‌کند که یک شخص از طریق ارتباط متقابل صمیمی و نزدیک با دیگران ارزیابی‌های شرایط و رفتارها را به‌عنوان مناسب و نامناسب، خوب یا بد می‌آموزد. ارتباط بزهکارانه به احتمال بیشتر هنگامی در پی می‌آید که افراد جوان از طریق تشویقات و تنبیهات و تعریفات مطابق به‌جای تعریفات نامطابق با بزهکاری پرورش می‌یابند (ویلیامز و ماری لین دی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۰).

ایکروز (Akers, ۱۹۷۷, p. ۳۹-۶۷) متوجه شد که بین متغیرهای نظریه، چند هم‌مسیری وجود دارد. هم‌نشینی افتراقی در ابتدا به تعامل و هویت گروه‌های متفاوت اشاره می‌کند. این گروه‌ها محیط‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند که در برابر تعاریف، تقلید، الگوها و تقویت اجتماعی برای ارتکاب رفتار بزهکارانه یا خودداری از هر رفتار بزهکارانه که رخ می‌دهد، قرار گیرد. تعاریف از طریق تقلید و تقویت اجتماعی آن‌ها به‌وسیله اعضای گروه‌هایی که شخص با آنها همکاری می‌کند، فراگرفته می‌شود و زمانی که فراگرفته شود، این تعاریف به‌عنوان یک محرک متمایزکننده برای رفتار درست یا نادرست ارائه می‌شود. تعاریف در تعامل با تقلید، الگوهای بزهکاری پیشینی شده مربوط به تقویت رفتار بزهکارانه یا اجتناب از آن را به وجود می‌آورد. بعد از رفتار اولیه، زمانی که اثرات مربوط به تعاریف ادامه می‌یابد و خود افراد به‌وسیله تجربه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، تقلید کم‌اهمیت‌تر می‌شود. در این نقطه از فرآیند است که پیامدهای واقعی (تقویت‌کننده‌ها و تنبیه‌کننده‌های اجتماعی و غیراجتماعی) مربوط به رفتار، برای تعیین احتمال اینکه رفتار بزهکارانه در چه سطحی ادامه خواهد داشت نقش دارد. این پیامدها در ابتدا شامل تأثیرات واقعی مربوط به رفتارهای بزهکارانه و تکرار آن‌ها و واکنش‌های واقعی دیگران در یک زمان و همچنین واکنش‌های مورد انتظار از سوی دیگران در برابر رفتارهای بزهکارانه است. از این‌رو، ایکروز و همکاران (Akers, Krohn, Lanza, Kaduce & Radosevich, ۱۹۷۹, p. ۶۳۹) اظهار داشته‌اند، متغیرهای نظریه یادگیری-اجتماعی به‌عنوان جنبه‌هایی از فرآیندهای یادگیری یکسان، ارتباط درونی مثبت دارند، با وجود این، متغیرهای مهم از نظر مفهومی متمایزند و برای مانع‌شدن از تأثیرات مستقل، می‌توان روابط درونی آن‌ها را به‌طور جداگانه نیز پذیرفت.

بخش دوم: روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد.

بخش سوم: یافته‌های پژوهش

نظریه یادگیری اجتماعی با تاکید بر متغیرهای آن هم در تحلیل جرایم داخلی و هم جرایم بین-المللی به کار برده می‌شود. در این قسمت به تحلیل علل گرایش به ارتکاب تروریسم بین‌المللی و همچنین چند جرم داخلی یعنی فساد و اختلاس، قتل‌های ناموسی و وندالیسم از منظر یافته‌های نظریه یادگیری اجتماعی پرداخته می‌شود. در این راستا راهکارهایی که می‌تواند در پیشگیری از افزایش این دسته از جرایم موثر باشد، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

تحلیل و پیشگیری از اعمال تروریستی در پرتو نظریه یادگیری اجتماعی: یکی از انحرافات و بزهکاری‌های بین‌المللی که می‌توان تأثیر نظریه یادگیری اجتماعی را در آن مشاهده کرد، خشونت‌های افراطی دینی یا همان اعمال تروریستی است. ظهور ایده‌های خشونت‌بار توسط گروه‌های افراطی ریشه در فرایند یادگیری دارد. در حقیقت، بر مبنای نظریه یادگیری اجتماعی انسان‌ها با مجموعه‌بزرگی از پاسخ‌های پرخاشگرانه ذخیره شده در خزانه رفتاری خود به دنیا نمی‌آیند، بلکه باید این رفتارها را از طریق تجربه یا مشاهده رفتار دیگران کسب کنند (بارون، بیرن و برنسکامب، ۱۳۹۴، ص ۶۲۳) و بسیاری از وجوه خشونت، پیش‌داوری و تعصبات مذهبی، ملی و نژادی از همان سنین اولیه یاد گرفته می‌شود. پس اگر خشونت و پرخاشگری رفتاری آموختنی است، به تبع آن اعمال تروریستی نیز به عنوان نوعی رفتار پرخاشگرانه، می‌تواند آموخته شود (Borum, ۲۰۰۴, p. ۱۳).

زیرا «تروریسم ناشی از صفات شخصیتی منفی غیرکارآمد نیست، بلکه عمدتاً به دلیل نفوذ اجتماعی و تجارب یادگیری منحصر به فردی است که بنیان خصوصیات عملی یا گرایش‌های رفتاری فرد را شکل می‌دهد» (کاتم، اولر، مسترز و پرستون، ۱۳۸۶، ص ۳۴۹).

نمونه یادگیری اجتماعی در میان گروه‌های تروریستی اسلامی، کودکانی هستند که در مدارس اسلامی (مثلاً پاکستان) آموزش می‌بینند یا در محیط‌هایی، آمادگی ذهنی برای پیوستن به گروه-های تروریستی پیدا می‌کنند (Gupta, ۲۰۰۸, p. ۳۰).

همان گونه که در توضیح نظریه یادگیری اجتماعی اشاره شد، مشاهده رفتار، از جمله رفتارهای خشونت آمیز و سپس تقلید آن از مصادیق بارز یادگیری اجتماعی خشونت است. براین اساس، کودکانی که در گروه‌های افراطی تروریستی شاهد رفتار آنان هستند، فرض می‌کنند این رفتار بهنجار و مورد پذیرش است. علاوه بر کودکان بسیاری از جوانان هم افکار گروه‌های تروریستی را فرا می‌گیرند. یادگیری افکار تروریستی توسط جوانان اغلب از طریق رسانه‌های مجازی است. یادگیری آموزشی تروریستی از طریق انتشار فلسفه تروریستی و با استفاده از انتشار افکار از طریق نوارهای دیداری و شنیداری، سی‌دی، کتاب و وبسایت‌ها رخ می‌دهد (نجات، ۱۳۹۴، ص ۱۶۴). بنابراین، فرایند یادگیری یا آموزش اجتماعی ممکن است بر جوانان جهت تروریست شدن اثرگذار باشد.

علاوه بر این، فعالیت‌های هریک از اعضای گروه تروریستی توسط سایر اعضا و با بیان عباراتی چون کشتن هر مسلمان مصادف است با باز شدن یکی از درهای بهشت یا پیامبر خدا در بهشت به استقبال تو ایستاده است و عباراتی مانند این‌ها، تقویت می‌شود. براساس نظریه یادگیری- اجتماعی جمع این سه متغیر در کنار یکدیگر، یعنی آموزش، تقلید و تقویت باعث گسترده- شدن شبکه‌های تروریستی در سراسر جهان شده است.

با توجه به یافته‌های تئوری یادگیری اجتماعی معمولاً گروه‌های تروریستی برای جذب نیرو از کودکان استفاده می‌کنند، زیرا کودکان به دلیل ضعف قوه تفکر به راحتی تحت تأثیر افکار گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرند. به همین دلیل از منظر این تئوری باید در فرایند تربیت و آموزش کودکان مداخله کرد و الگوهای صلح و پرهیز از خشونت و افراط گرایی را به درستی به آنان آموزش داد و درونی سازی نمود تا قوه خودکنترلی در آن‌ها فعال باشد. این امر سبب پیشگیری از درگیر شدن در فعالیت‌های تروریستی می‌شود. در این راستا و به منظور مقابله با افزایش پدیده تروریسم لازم است تفکر معتدل اسلامی از طریق نگارش کتاب یا ساخت کارتن و برنامه‌های متناسب با گروه سنی کودکان آموزش داده شود و چهره واقعی از اسلام با استفاده از ابزار نوین و فضای مجازی به منظور کاهش تأثیرات سوء تبلیغات گروه‌های تروریستی و مقابله با اسلام‌هراسی ارائه گردد.

علاوه بر تحلیل جرایم بین‌المللی با تمسک به نظریه یادگیری اجتماعی، این نظریه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریه‌های انحراف و جرایم داخلی، زمینه‌ای ایده‌آل برای فهم جرایم و رفتارهای انحرافی، همانند رفتارهای وندالیستی ارائه می‌دهد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

تحلیل و پیشگیری از رفتارهای وندالیستی در پرتو نظریه یادگیری اجتماعی: از منظر متغیر هم‌نشینی در نظریه یادگیری اجتماعی هرچقدر هم‌نشینی افراد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان با گروه‌های خرابکار بیشتر باشد، گرایش به انجام رفتارهای وندالیستی در جامعه بیشتر خواهد شد. تأثیر تقویت افتراقی، یکی دیگر از متغیرهای نظریه یادگیری را نیز می‌توان در تحلیل رفتارهای وندالیستی مشاهده نمود. تقویت افتراقی از دو بعد عکس‌العمل و تشویق تشکیل شده است. عکس‌العمل، رفتاری است در پاسخ به رفتار فرد بزه‌کار که با تأیید یا رد تعاریف، نگرش‌ها، ارزش‌ها و نیز فنون و ابزار بزه‌کارانه صورت می‌گیرد. در مورد رفتار وندالیستی، عکس‌العمل دیگران تأثیر معناداری بر میزان این گونه رفتارها دارد. یعنی هرچه میزان تأیید تعاریف، ارزش‌ها و رفتارهای وندالیستی بیشتر باشد، میزان رفتارهای وندالیستی نیز بیشتر خواهد بود و هرچه میزان رد تعاریف ارزش‌ها و رفتارهای وندالیستی بیشتر باشد، میزان رفتارهای وندالیستی کاهش می‌یابد.

علاوه بر نوع عکس‌العمل، رفتارهای بزه‌کارانه از طریق دریافت تشویق توسط هم‌نشینان افتراقی نیز تقویت می‌شود. تشویق برای ازدیاد رفتار صورت می‌گیرد. از این رو، رابطه مستقیم و مثبتی میان تشویق و رفتارهای بزه‌کارانه از جمله رفتارهای وندالیستی وجود دارد. یعنی با افزایش میزان تشویق برای داشتن تعاریف، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با وندالیسم، میزان وندالیسم نیز افزایش می‌یابد. در عین حال، عدم تشویق و رد تعاریف، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با وندالیسم، منجر به کاهش میزان وندالیسم می‌شود.

با جمع دو بعد ناظر به تقویت افتراقی و تأثیر آن بر میزان گرایش به سوی رفتارهای وندالیستی می‌توان گفت افرادی که فکر می‌کنند با ارتکاب رفتارهای وندالیستی پیامدهای خوبی را تجربه می‌نمایند، بعد از دریافت پیامدهای مطلوب ارتکاب رفتار یا مشاهده پیامدهای مطلوب در رفتار دیگران، به میزان زیادی مبادرت به رفتارهای وندالیستی می‌نمایند. لیکن افرادی که تصور

خوبی از رفتارهای وندالیستی ندارند و پیامدهای نامطلوبی را تجربه یا مشاهده می‌نمایند به میزان کمتری مبادرت به رفتارهای وندالیستی خواهند داشت.

اقدامات خرابکارانه و رفتارهای وندالیستی به‌هنگام وقوع اعتراض‌ها به مشکلات یک کشور را می‌توان بر همین اساس تفسیر نمود. معمولاً زمانی که مشکلات، به ویژه از نوع اقتصادی آن، در جامعه‌ای زیاد می‌شود، افراد آن جامعه به‌خصوص جوانان اقدامات اعتراضی را آغاز می‌کنند. سپس گروه‌های دوستانه‌ای را در فضای حقیقی یا مجازی تشکیل می‌دهند و تصمیم می‌گیرند در راستای نشان دادن شدت اعتراضات خود به وضع موجود، دست به فعالیت‌های خرابکارانه و تخریب اموال عمومی بزنند. بنابراین همنشینی با گروه‌های معترض آنان را تقویت می‌کند. در مرحله بعد از یک اعتراض ساده و در صورت بی‌نتیجه ماندن و دست نیافتن به خواسته‌های خود به اموال عمومی لطمه می‌زنند. بعد از نمایش این گونه رفتارهای وندالیستی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف، سایر افراد جامعه که شاکي از وضعیت اقتصادی حاکم بر جامعه هستند، اقدام به تشویق فعالیت‌های وندالیستی گروه‌های معترض می‌نمایند و این گونه اقدامات را به‌عنوان تلاشی در جهت قانع نمودن دولتمردان بر لزوم تغییرات و اصلاحات در سیاست‌های کشور، مفید می‌دانند. به عبارت دیگر، عکس‌العمل اجتماع در این گونه مواقع، تایید رفتارهای وندالیستی می‌باشد. رفتارهای گروه‌های معترض با این تایید اجتماع، تقویت شده و از این رو، روز به روز بر اقدامات خرابکارانه آن‌ها افزوده می‌شود. اشخاص دیگر در نقاط مختلف جامعه که از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شاهد رفتارهای وندالیستی گروه‌های معترض و تایید و ارزش‌گذاری این گونه رفتارها از سوی اجتماع هستند، تصمیم می‌گیرند هم‌گام و هم‌صدا با گروه‌های معترض، به اعتراض و در صورت لزوم اقدامات خرابکارانه برای رسیدن به خواسته‌ها و تغییرات در سیاست‌های جامعه دست بزنند.

بعد از گذشت مدت اندکی از اقدامات خرابکارانه توسط گروه‌های معترض، دولت به دو صورت کیفری و فرهنگی برخورد کرده و باعث کاهش تقویت رفتارهای خرابکارانه گروه‌های معترض می‌شود. در مرحله اول، نیروهای دولتی در مناطق مختلف حضور پیدا می‌کنند و معترضین را دستگیر می‌کنند. بعد از دستگیری از لحاظ کیفری، دستگاه قضایی برخورد دوگانه‌ای را در برابر گروه‌های معترض اتخاذ می‌کند. معترضینی که صرفاً اعتراض نموده و هیچ

گونه توهین به نظام و اقدامات خرابکارانه انجام نداده باشند، مشمول برخورد کیفری نخواهند بود. در مقابل، گروه‌های معترض و خرابکار با برخورد شدید از سوی نظام عدالت کیفری روبرو خواهند شد. چنین عکس العمل کیفری موجب کاهش تقویت رفتارهای وندالیستی در بین گروه‌های معترض می‌شود. علاوه بر این، دولت از لحاظ فرهنگی نیز در مسیر کاهش تقویت رفتارهای وندالیستی در هنگام اعتراض‌ها گام برمی‌دارد. با شیوع رفتارهای وندالیستی در هنگام اعتراض‌ها، دولت سعی می‌کند از طریق رسانه‌ها افکار عمومی جامعه را با خود همراه سازد و اقدامات خرابکارانه گروه‌های معترض را نوعی مخالفت با خواسته‌های به حق مردم معرفی نماید. رسانه‌ها اعمال خرابکارانه گروه‌های معترض را نه تنها تلاشی در راستای بهبودی وضعیت مردم نمی‌دانند، بلکه عامل برهم زدن امنیت و آسایش در جامعه معرفی می‌کنند. بعد از انتشار این طرز تفکر در رسانه‌ها، افکار جامعه دیگر اقدامات خرابکارانه گروه‌های معترض را تلاشی در جهت اصلاح وضع و احقاق حقوق خود نمی‌دانند؛ بلکه آن‌ها را عاملی در جهت بدتر کردن اوضاع جامعه می‌دانند. از این پس و با القای این طرز تفکر، رفتارهای وندالیستی معترضین از طرف جامعه رد می‌شود و دیگر مورد تایید نیست. با رد رفتارهای وندالیستی گروه‌های معترض، بعد تقویتی این گونه رفتارها از بین می‌رود و رفتارهای وندالیستی در هنگام اعتراض‌ها به مرور کاهش می‌یابد. بنابراین، عملکرد دولت در راستای متغیرهای تئوری یادگیری اجتماعی و به دو صورت مقابله کیفری و به ویژه فرهنگی با معترضین وندالیسم، عملکرد مناسبی در جهت پیشگیری از افزایش رفتارهای وندالیستی به شمار می‌رود.

تحلیل و پیشگیری از خشونت خانگی در پرتو نظریه یادگیری اجتماعی: پدیده خشونت خانگی، یکی دیگر از جرایمی است که به نظر می‌رسد بتوان این پدیده را نیز براساس نظریه یادگیری اجتماعی و متغیرهای آن تحلیل نمود. بررسی علل وقوع خشونت خانگی، به ویژه بعد از شیوع کرونا و گسترش فراوان در جوامع مختلف اهمیت بسیاری یافته است.

طبق نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز، پسران در فرایند جامعه‌پذیری و در کنش متقابل با والدین و هم‌سالان و در محیط مدرسه می‌آموزند که نقش جنسیتی مردان با اعمال خشونت نسبت به زنان همراه است و بر روی نگرش‌های آن‌ها نسبت به خشونت علیه زنان تأثیر می‌گذارد. همچنین این آموزه‌های درونی شده است که پرخاشگری مردان و فرمانبرداری و

سکوت زنان را مشروعیت می‌بخشد. به همین دلیل و براساس متغیر پیوند افتراقی، پسرانی که در خانواده یا جمع دوستان یا محله یا منطقه‌ای زندگی می‌کنند که افکار غالب این باشد که مرد می‌تواند در صورت نافرمانی یا نارضایتی از عملکرد همسرش او را کتک بزند، حرف‌های تحقیرآمیز به همسرش بزند، به او ناسزا بگوید و حتی می‌تواند زن را از برخی امکانات مادی محروم نماید، نتیجه این خواهد شد که چنین پسرانی در آینده و در محیط زندگی به راحتی دست به اعمال خشونت‌بار در خانواده می‌زنند. علاوه براین، پسرانی که در چنین محله یا خانواده‌ای قرار دارند، به دلیل اینکه معمولاً شاهد اعمال خشونت‌بار مرد در خانواده هستند، به احتمال زیاد علاوه بر یادگیری، این گونه رفتارهای خشونت‌بار را در آینده تقلید می‌کنند.

مردانی که فرهنگ مردسالاری را فراگرفته‌اند و رفتارهای خشونت‌بار را علیه اعضای خانواده خود تقلید می‌کنند، معمولاً برای اینکه خود را از لحاظ وجدانی قانع‌نمایند که اقدامات خشونت‌بار آن‌ها به حق بوده است، دست به ارائه تعاریف مثبت و ارزشمند نسبت به خشونت‌های خود در خانواده می‌زنند. برای این منظور از یک سری فنون خنثی‌سازی استفاده می‌کنند. مثلاً فشارهای اقتصادی زیاد یا حرف‌ها و حرکات همسر باعث شد که از کنترل خارج شوم و او را کتک بزنم و دلایل توجیه‌کننده دیگر از این قبیل که مردان بعد از اعمال خشونت و جهت راضی نمودن وجدان خویش، سعی می‌کنند توجیهات این چینی را پیدا کرده و از این طریق عملکرد خشونت‌بار خود را به حق جلوه دهند.

علاوه بر دیدگاه مثبتی که خود مرد با ارائه تعاریف مطلوب از رفتارهای خشونت‌بار خویش پیدا می‌کند، نگرش مساعد نسبت به خشونت علیه همسر و کودک تابعی منفی از بازدارندگی تصویری است. بدین ترتیب، هرچه میزان بازدارندگی تصویری (رسمی و غیر رسمی) بیشتر باشد، در نتیجه نگرش مساعد نسبت به خشونت در خانواده کاهش می‌یابد. لذا هرچه فرد از مجازات شدن بعد از ارتکاب خشونت در خانواده اطمینان بیشتری داشته باشد و یقین بدارد که رفتارش مورد سرزنش و مجازات از سوی دوستان و نهادهای رسمی قرار می‌گیرد، احتمال اینکه مرتکب خشونت علیه همسر یا فرزندان خود شود، کمتر است. اما مردانی که تصور می‌کنند با انجام رفتارهای خشونت‌آمیز علیه همسر یا فرزندان مورد تشویق از سوی اطرافیان قرار می‌-

گیرند و با برخورد قاطع از سوی دستگاه قضا روبرو نمی‌شوند، رفتارهای خشونت‌بار آن‌ها در خانواده تقویت می‌شود.

پرونده قتل رومینا اشرفی (دختر ۱۴ ساله اهل تالش) توسط پدرش را بر همین اساس می‌توان تفسیر نمود. پدر رومینا در منطقه‌ای روستایی (روستای سفیدسنگان) و در میان جمعیتی زندگی می‌کرده که فرهنگ حاکم بر آن حاکمیت مطلق مرد بر خانواده است. مطابق این فرهنگ، همسر و فرزندان حق ندارند هیچ اقدامی را بدون اجازه مرد خانواده انجام دهند. علاوه بر حاکمیت فرهنگ مردسالاری و فراگیری آموزه‌های ناظر به این فرهنگ، مسأله مهم دیگر در مناطق مختلف ایران، به‌ویژه مناطق روستایی مسائل ناموسی است که فرزند و به‌ویژه دختر به هیچ عنوان نباید با پسری که با او ازدواج نکرده ارتباط داشته باشد. هنگامی که ارتباط رومینا با پسر غریبه در میان اهالی روستا دهان به دهان شده بود و به این دلیل پدر رومینا را فردی بی‌غیرت خطاب می‌کردند، او هم این اجازه را به خود داد که فرزندش را به کام مرگ ببرد. از طرف دیگر، پدر رومینا با ارائه این توجیه که رومینا با این کارش من را بی‌آبرو کرد و به همین خاطر و در واقع برای پاک کردن این لکه ننگ ناچار شدم او را بکشم، سعی داشت برای خشونت خود علیه فرزندش توجیهی پیدا کند و از طریق این‌گونه توجیهات، تعریف مطلوبی از خشونت خود ارائه و عمل خویش را به حق جلوه دهد. در کنار این تعریف مطلوب وقتی پدر رومینا از یک سو، با بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسید که به موجب قانون قتل فرزند توسط پدر موجب قصاص نیست و از سوی دیگر، دوستان و اطرافیان، مانند برادر وی به او فشار می‌آوردند که عامل بی‌ناموسی و بی‌آبرویی باید از بین برده شود، نگرش مساعدتری نسبت به قتل فرزند خود پیدا کرد و در واقع رفتار خشونت‌بار او توسط عوامل رسمی و اجتماعی تقویت شد. بنابراین پدر رومینا علاوه بر اینکه خشونت علیه همسر و کودک را فراگرفته و با توجیهات مختلف سعی کرد عملکرد خشونت‌آمیز خود را عملی صحیح جلوه داده و وجدان خود را از این طریق راضی نماید، به دلیل وجود تقویت‌کننده‌های رفتاری یعنی تشویق اطرافیان (تقویت اجتماعی) و عدم تنبیه قانونی مناسب با رفتار (تقویت رسمی)، تصمیمش بر قتل فرزند قطعی شد. با لحاظ متغیرهای نظریه یادگیری اجتماعی، راهکارهای پیشگیرانه مناسب در برخورد با خشونت خانگی از لزوم تغییر در عقاید از دوران کودکی تا لزوم تغییرات

در قوانین را شامل می‌شود. در این راستا ضروری است از دوران کودکی به فرزندان به‌ویژه فرزندان پسر برابری بین زن و مرد و تقبیح عرفی و شرعی اذیت و آزار زنان در قالب تدوین کتاب و یا تهیه فیلم‌های کودکان آموزش داده شود. لازم است پسر بچه‌ها بیاموزند که مردان مالک زنان در قالب مادر، خواهر، همسر و یا دختر خود نیستند و باید با عشق و محبت و احترام با آن‌ها برخورد نمایند و در هنگام عصبانیت خشم خود را کنترل کنند. لازم است به کودکان مهارت همدلی، مدیریت هیجان و مهارت حل مساله و تصمیم‌گیری آموخته شود. بدین ترتیب، الگوبرداری و مدل‌سازی یادگیری اجتماعی در جامعه تغییر خواهد کرد و تقلید به یک تقلید مثبت تبدیل می‌شود.

نوع مجازات نیز در تقلید مؤثر است. زمانی که فردی به دلیل قتل ناموسی با برخورد شدید کیفری و اعدام همانند سایر قتل‌ها روبرو می‌شود یادگیری اجتماعی رخ می‌دهد و موجب می‌شود که سایر افراد از این کار خودداری نمایند. در این راستا اصلاح تبعیضات بین زن و مرد و رفع ضعف‌های قانونی در قوانین مختلف، مانند قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی که موجب تقویت افراد برای انجام رفتارهای غیرقانونی در قالب خشونت خانگی و قتل ناموسی می‌شود در مدل‌سازی مثبت از تقلید موثر خواهد بود.

علاوه بر این، از رسانه‌ای شدن بیش از حد اخبار مربوط به خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی باید خودداری شود. زیرا برخورد کیفری نامتناسب با بزه‌کاران خشونت خانگی و انتشار این نوع برخوردهای ضعیف قانونی از طریق رسانه‌ها، باعث ترویج بیشتر الگوی منفی خشونت-های ناموسی در سطح جامعه می‌شود.

تحلیل و پیشگیری از فساد اداری در پرتو نظریه یادگیری اجتماعی: در نهایت، پدیده فساد اداری با تاکید بر دو جرم رشوه و اختلاس از دیگر پدیده‌های اجتماعی انحرافی است که براساس نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان به تحلیل آن پرداخت. اگرچه جامعه ایران جامعه‌ای توأم با گرایش دینی و ملی است که هر دوی آن‌ها فساد اداری را پدیده‌ای زشت و مذموم می‌داند، با این حال شاهد هستیم که شیوع رشوه و اختلاس، به عنوان مهمترین ابعاد فساد اداری در جامعه، مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی و ملی را بسته و هزینه هنگفت را بر دوش سرمایه‌های ملی کشور و سرانجام بر مردم تحمیل کرده است.

رسانه‌ها نیز رشوه و اختلاس را به سبب وقوع بالای آن در میان کارمندان اداری و همچنین تأثیرات منفی که فساد اداری در جامعه به جای می‌گذارد، مشکل بسیار بزرگ جامعه ایران در عصر حاضر شناخته‌اند. رشوه و اختلاس همانند دیگر صور رفتارهای انحرافی است که شامل ساز و کارهای یادگیری و وزن‌دهی به احتمال هزینه‌دادن یا فایده کردن است که از طرف فشار خارجی و تمایلات شخصی برای کسب موفقیت برانگیخته می‌شود و ممکن است با مجازات‌های خاص و شدیدی بازداشته شود.

نظریه یادگیری اجتماعی و متغیرهای آن کمک خواهد کرد که دریابیم چرا در سازمان‌های دولتی که سازمان‌های مورد اعتماد مردم هستند، کارمندان اقدام به دریافت رشوه یا اختلاس می‌نمایند.

اولین متغیر نظریه یادگیری اجتماعی، همنشینی افتراقی است. براساس کاربست این متغیر در توصیف و تحلیل رفتارهای انحرافی مورد نظر، یعنی رشوه و اختلاس، کارمندان در محیط اداری یاد می‌گیرند که در اعمال مربوط به فقدان صداقت کاری شرکت کنند یا به واسطه تعامل با دیگران از چنین رفتارهایی خودداری نمایند. این مسأله از سطح جامعه شروع می‌شود، اما همکاران اداری و رفتارها و گرایش‌های دوستان در محیط اداری، تأثیر مهمتری در گرایش کارمندان به رفتارهای ناظر به فساد اداری دارد. بدین ترتیب، اگر کارمندی به طور متفاوت، بیشتر با افرادی در محیط اداری ارتباط داشته باشد که درگیر رشوه یا اختلاس هستند، بیشتر احتمال دارد که در رفتارهای انحرافی ناظر به فساد اداری درگیر شود. در مقابل، اگر شخص کارمند به طور متفاوتی بیشتر با همکاران و دوستانی در ارتباط باشد که در رفتارها و گرایش‌های انطباقی مشارکت می‌کنند، به احتمال زیاد از درگیری یا مشارکت در جرم رشوه یا اختلاس خودداری می‌کند.

کارمندان همان‌طور که تحت تأثیر همنشینی افتراقی ممکن است به سمت انجام رفتارهای فساد اداری جذب شوند، فساد اداری تابعی مثبت از تقلید نیز هست. همان‌طور که ایکرز اشاره نموده منابع تقلید از گروه‌های اجتماعی و برجسته (والدین، همسالان و همکاران) و منابع دیگر مانند رسانه‌ها (کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و اخبار) بر می‌خیزند. کارمندی که در محیط اداره شاهد این باشد که همکار او در اتاقتش اقدام به دریافت رشوه می‌نماید یا اینکه می‌شنود که همکاران

او در دیگر اتاق‌ها و یا حتی رییس و سایر مدیران مورد اعتماد و درستکار از منظر وی، در برابر انجام کارهای قانونی و غیرقانونی خود در اداره اقدام به دریافت رشوه از ارباب رجوع نموده یا دست به اختلاس‌های خرد و کلان می‌زنند و در عین حال وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به او دارند، این کارمند با تقلید از آن‌ها به سمت رفتارهای فساد اداری روی می‌آورد.

در دوران حاضر در ایران که اخبار متعدد اختلاس‌ها و رشوه‌های کلان در رسانه‌های مختلف مانند تلویزیون و روزنامه شنیده می‌شود، به نظر می‌رسد منابع تقلیدی رسانه‌ها بیشتر از منابع تقلیدی مربوط به گروه‌های اجتماعی، یعنی همکاران در گرایش به سمت رفتارهای فساد اداری تأثیر گذار باشد. چرا که اگر همکار کارمندی اقدام به دریافت رشوه یا اختلاس اموال دولتی کرده باشد، سعی دارد این عمل را مخفی نماید تا کسی متوجه اقدام او نگردد و با عکس‌العمل منفی سایر همکاران و یا مدیران اداره و همچنین بازدارنده‌های رسمی (مجازات‌های اداری و قانونی) و غیر رسمی (سرزنش همکاران) روبرو نشود. اما زمانی که رشوه‌گیری و اختلاس‌های خرد و کلان کارمندان و مدیران سازمان‌ها و نهادهای مختلف در رسانه‌ها منتشر می‌گردد و کارمندان در هنگام پخش محاکمه مفسدین اداری با چهره‌های آرام و خونسرد چنین افرادی در محاکم و در برابر مقام قضایی روبرو می‌شوند، احتمال الگوبرداری و تقلید کارمندان در بخش‌های مختلف سازمان‌ها و نهادهای دولتی بیشتر می‌شود.

همچنین، اخذ رشوه و اختلاس در سازمان‌های دولتی می‌تواند تابعی مثبت از تعاریف مساعد از رشوه یا اختلاس باشد. به همان میزانی که کارمندان رفتارهای مربوط به فساد اداری را یاد می‌گیرند و آن‌ها را همچون گرایش‌های خود می‌پذیرند، تعاریف مطلوب یا غیرمطلوب برای فسادهای اداری، به‌ویژه رشوه و اختلاس می‌تواند در گرایش کارمندان به انجام این‌گونه رفتارهای انحرافی در محیط اداری مؤثر باشد.

اگر تعریف برای عدم صداقت کاری مطلوب باشد، اقدام به دریافت رشوه یا اختلاس اموال دولتی پذیرفتنی و شکل رفتار تایید می‌شود. در واقع تعاریف ممکن است برای اختلاس یا رشوه مطلوب باشد، زیرا آن‌ها برای خنثی کردن نامطلوبی صداقت کاری ظاهر می‌شوند. در مقابل، به میزانی که کارمند به لحاظ اخلاقی رشوه یا اختلاس را ناپسند می‌شمرد از آن خودداری خواهد کرد. بسیاری از تعاریف صداقت کاری زیر عنوان اعتقادات رسمی قرار می‌-

گیرند، به گونه‌ای که بسیاری از کارمندان با توجه به قوانین و مقررات حاکم بر کشور و همچنین حاکم بر محیط اداری به دریافت رشوه یا اختلاس نمودن دیدگاهی منفی دارند. این دسته از کارمندان ممکن است بر این باور باشند که اخذ رشوه یا اختلاس کردن خلاف قوانین اداری و کشوری است و از رفتارهای مبتنی بر نقض قوانین دوری می‌کنند.

از طرفی، کارمندان دیگر ممکن است که با عنوان مثبت دیدگاهی را برگزینند که رشوه و اختلاس را کاملاً مطلوب و مجاز می‌داند. برای مثال، اگر کارمندی بر این باور باشد که با دریافت رشوه و اختلاس نمودن وضعیت اقتصادی و معیشت او تا حد بالایی بهتر می‌شود، این باور مثبت به اخذ رشوه و اختلاس کردن است. گاهی اوقات رفتارهای فاقد صداقت کاری با آنچه ایکرز «باورهای خنثی‌سازی» می‌نامد همراه است. باورهای خنثی‌سازی به وسیله توجیهات و دلایل شخصی، رفتارهای فساد اداری را تولید می‌کنند. کارمند ممکن است در ابتدا نگرش منفی به رشوه یا اختلاس داشته باشد، اما به دلیل ارتباط با کارمندانی که در محیط اداره رشوه می‌گیرند یا اختلاس می‌کنند و یا با مشاهده مختلسین به عنوان مفسدین اقتصادی در رسانه‌های صوتی - تصویری که بسیار از وضعیت خود راضی هستند و با آرامش کامل در دادگاه و در مقابل قاضی حاضر می‌شوند، به این نتیجه می‌رسد که اختلاس کردن و دریافت رشوه خوب است و گفتارهایی از این قبیل به کار می‌برد: «در اداره حقوق خوب و متناسب با کارکرد من داده نمی‌شود و باید رشوه بگیرم یا اختلاس کنم»، «وقتی روسای ما اختلاس‌های کلان می‌کنند، چرا من نتوانم به مقدار جزئی رشوه بگیرم یا اختلاس کنم. این مقدار جزئی به جایی لطمه نمی‌زند»، «مردم خودشان دوست دارند در برابر کارها به من هدیه بدهند و الا من که رشوه نمی‌گیرم این هدیه است»، «حجم کارهای اداری من در برابر حقوق اندک من زیاد است، بنابراین باید رشوه بگیرم یا اختلاس کنم»، «رشوه می‌گیرم یا اختلاس می‌کنم، چون به غیر از انجام این امور و با توجه به گرانی‌های غیرقابل تحمل نمی‌توانم خانه یا ماشین بخرم» و «آن قدر وضعیت اقتصادی و معیشتم ضعیف است که چاره‌ای جز گرفتن رشوه و اختلاس کردن ندارم». به طوری که در رفتارهای مربوط به رشوه یا اختلاس، به میزانی کارمندان رفتارهای فساد اداری را یاد می‌گیرند و آن‌ها را همچون گرایش‌های خود می‌پذیرند که تعریف‌های مطلوب یا نامطلوب از رفتارهای فاقد صداقت کاری در دست داشته باشند.

سومین بعد طبق نظریه یادگیری اجتماعی آن است که فساد اداری تابعی منفی از عکس‌العمل منفی است. ایکرز معتقد است که در فرایند یادگیری اجتماعی پس از تعامل با گروه‌های مختلف و قرار گرفتن در معرض تعاریف مختلف، پیامدهای واقعی، یعنی تقویت‌کننده‌ها و تنبیه‌کننده‌های اجتماعی و غیراجتماعی رفتار هستند که ادامه آن رفتار را پیش‌بینی می‌کنند. یکی از این پیامدها شامل عکس‌العمل‌های واقعی دیگران حاضر در همان زمان یا کسانی است که بعداً درباره آن اطلاع پیدا می‌کنند. گاهی اوقات فردی که در رفتارهای فساد اداری درگیر است با عکس‌العمل منفی (رد رفتار) یا عکس‌العمل مثبت (تایید رفتار) دیگران مواجه می‌شود یا پیش‌بینی می‌کند که با چنین عکس‌العملی مواجه شود، بنابراین متناسب با آن عکس‌العمل، تصمیم به ادامه یا قطع رفتار خود می‌گیرد. چنانچه عکس‌العمل منفی دیگران به رفتارهای مربوط به رشوه یا اختلاس کارمند افزایش یابد، میزان این رفتارها کاهش پیدا می‌کند. هرچه میزان رد تعاریف و ارزش‌های مربوط به رشوه و اختلاس و رد انجام چنین رفتارهایی بیشتر باشد، میزان ارتکاب رشوه یا اختلاس نیز کمتر می‌شود و هرچه میزان تایید تعاریف و ارزش‌های مربوط به رشوه یا اختلاس و تایید چنین رفتارهایی بیشتر باشد، میزان فساد اداری با تاکید بر رشوه و اختلاس نیز بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد فساد اداری علاوه بر نوع عکس‌العمل تابعی مثبت از پاداش است و به عبارتی دیگر دریافت پاداش با ارتکاب رفتارهای ناظر به اخذ رشوه یا اختلاس نمودن رابطه مستقیم دارد. اگر تجربه دریافت رشوه یا اختلاس نمودن برای فرد احساس موفقیت، زیرکی و زرنگی، انتقام‌گیری از محیط کار به دلیل حقوق پایین و بهتر شدن وضعیت اقتصادی به همراه داشته باشد، رفتار فرد به صورت مثبتی تقویت می‌شود. تقویت رفتار در اینجا به موازنه پاداش تجربه‌شده یا درک‌شده برای رفتار اشاره می‌کند. بنابراین چنانچه کارمندی احساس یا مشاهده کند که در ازای ارتکاب رفتارهای مربوط به فساد اداری، پیامدهای مثبتی در سطح اجتماعی یا غیراجتماعی دریافت می‌کند، مانند اینکه در رسانه‌ها و در هنگام محاکمه مختلسین مشاهده می‌کند شخص مختلس به دلیل انجام این گونه رفتارها در موقعیت اقتصادی بالایی قرار گرفته و از موقعیت خویش راضی است، مرتکب اختلاس یا اخذ رشوه می‌شود یا رفتارهای گذشته خود را در اثر تجربه دریافت پاداش در گذشته ادامه می‌دهد.

در نهایت، باید گفت فساد اداری تابعی منفی از بازدارندگی است. عوامل بازدارنده بر رفتارهای فساد اداری در محیط‌های کاری به دو صورت بازدارنده‌های رسمی و غیر رسمی است. منظور از بازدارنده‌های غیر رسمی، احتمال لو رفتن توسط همکاران است و منظور از بازدارنده‌های رسمی احتمال لو رفتن در نزد روسا و مدیران و سپس اطلاع‌دادن به مقامات قضایی است. بدین ترتیب، هرچقدر احتمال لو رفتن کارمند متخاطی که اقدام به دریافت رشوه یا اختلاس نموده، توسط همکاران، مدیران و روسا بیشتر باشد و به تبع مجازات‌های اداری و قانونی با قطعیت و شدت بیشتری اعمال گردد، احتمال ارتکاب چنین رفتارهایی توسط کارمندان اداری کمتر می‌شود. بدین ترتیب از منظر تئوری یادگیری اجتماعی لازم است در برنامه‌های آموزشی کارکنان دولت دوره‌های آموزشی درج گردد که در آن‌ها بر صداقت کاری کارمندان و دوری از فسادهای اداری تاکید شود و همچنین ابعاد جزایی و مجازات‌های اداری و قانونی فسادهای اداری تشریح گردد. از منظر عملی نیز از کارمندانی که با اظهارنظر ارباب رجوعان در کارهای اداری با صداقت عمل می‌کنند تقدیر شده و پاداشی در نظر گرفته شود. این امر به عنوان یک تقویت مثبت برای کارمندان خواهد بود.

همچنین متعادل‌سازی حقوق کارمندان با شرایط و ساعات کاری و شرایط اقتصادی روز باعث می‌شود باورهای خنثی‌ساز و به تبع ارائه تعریف مطلوب از رشوه و اختلاس در بین کارمندان از بین برود. در نهایت، لازم است از رسانه‌ای شدن گسترده رشوه و اختلاس جلوگیری شود؛ چرا که انتشار رسانه‌ای باعث عادی‌سازی چنین رفتارهای مجرمانه و سپس تقلید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از طریق نظریه یادگیری اجتماعی و متغیرهای چهارگانه آن، یعنی هم‌نشینی افتراقی، تعاریف-افتراقی، تقویت افتراقی و الگوهای افتراقی علت افزایش حوادث جنایی همچون وندالیسم معترضین، قتل‌های ناموسی، فسادهای اداری و گسترش شبکه‌های تروریستی قابل تبیین و تحلیل است. این نتیجه مشابه پژوهش‌های صورت گرفته توسط علی‌وردی‌نیا و همکاران در خصوص خشونت علیه زنان و ثقل است. منطبق با این نظریه راهکارهای پیشگیرانه‌ای را می‌توان ارائه داد که در جهت کاهش حوادث جنایی این چینی مؤثر خواهد بود.

- رفتارهای مجرمانه در سطح گسترده رسانه‌ای نشوند؛ چرا که انتشار رسانه‌ای و بدون اظهار نظر کارشناسانه باعث عادی‌سازی رفتارهای مجرمانه و سپس تقلید می‌گردد.
- با رفتارهای ضداجتماعی قاطعانه و با جدیت مقابله شود.
- موازنه تقویت‌ها باید در جهتی تغییر داده شود که رفتارهای هم‌نوی اجتماعی حمایت شوند. در این راستا آموزش تعاریف اجتماعی‌گرا در مدرسه، تشویق آموزش‌های مذهبی (اخلاقیات) و تأکید بر ارزش‌های مهم در قانون می‌تواند مؤثر باشد.
- گنجاندن دوره‌های آموزشی در برنامه آموزشی ادارات مختلف که بر صداقت کاری کارمندان و دوری از فسادهای اداری تأکید داشته باشد و همچنین ابعاد جزایی و مجازات‌های اداری و قانونی فسادهای اداری را تشریح نماید.
- در نظر گرفتن پاداش و تقدیر ویژه از کسانی که در کارهای اداری با صداقت عمل می‌کنند.
- تلاش به منظور آموزش تفکر معتدل اسلامی از طریق نگارش کتاب یا ساخت کارتن و برنامه‌های متناسب با گروه سنی کودکان و ارائه چهره واقعی اسلام با استفاده از ابزار نوین و فضای مجازی به منظور کاهش تأثیرات سوء تبلیغات گروه‌های تروریستی و مقابله با اسلام‌هراسی.
- اصلاح تبعیضات و ضعف‌های قانونی که موجب تقویت افراد برای انجام رفتارهای غیرقانونی می‌شود.
- تدوین کتاب یا تهیه فیلم‌هایی با مضمون تقبیح عرفی و شرعی قتل‌های ناموسی توسط اعضای خانواده، به ویژه پدر و برادر.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- احمدی انگالی، محمد؛ کریمی خنجر، فرزاد و زلّقی، علی (۱۴۰۰). تحلیل حقوقی - جرم شناختی تروریسم. چاپ اول، تهران: نشر پژوهش عدالت.
- ۲- اسماعیلی، مهدی؛ هوشیاری، داریوش و کلانتری، کیومرث (۱۴۰۰). جرم شناختی و نندالیسم (مطالعه در ایران). جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱۵، صص ۲۸۱-۲۹۳. قابل بازبینی از لینک:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>
- ۳- بارون، رابرت؛ بیرن، دان و برنسکامب، نایلا (۱۳۹۴). روان شناسی اجتماعی. یوسف کریمی، مترجم. ویراست یازدهم. تهران: نشر روان.
- ۴- بخارایی، احمد و شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی (مطالعه موردی: در کلاشهر مشهد). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲)، صص ۲۱-۴۸. قابل بازبینی از لینک:
<https://ssoss.ui.ac.ir/article>
- ۵- جلالی، محمدرضا؛ میرخلیلی، محمود؛ حیدری، عباسعلی؛ شیداییان، مهدی و پیرانی، ذبیح (۱۳۹۶). مطالعه جرم‌شناختی تروریسم دینی از منظر اخلاق شیعی. مجله پژوهش‌های اخلاقی، ۸(۱)، صص ۵۳-۶۹. قابل بازبینی از لینک:
<http://akhlagh.saminattech.ir/Article>
- ۶- راز، شاهین؛ زین‌جوی‌الوار، سهیلا و هادی‌زاده، قاسم (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناختی فساد اداری و ساز و کارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در ایران. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۸)، صص. قابل بازبینی از لینک:
<http://jou.spsiran.ir/article>
- ۷- ریاحی، محمد اسماعیل و اسمعیلی، وحید (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش به قتل‌های ناموسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهر مریوان. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲(۳)، صص ۵۲-۷۹. قابل بازبینی از لینک:
<http://www.jss-isa.ir/article>

۸- علیوردی‌نیا، اکبر و حبیبی، مرجان (۱۳۹۴). بررسی نگرش دانشجویان پسر نسبت به خشونت علیه زنان در بستر خانواده: آزمون تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۴(۳)، صص ۱۵-۳۸. قابل‌بازيایی ازلینک:

<http://ensani.ir/fa/article/>

۹- علیوردی‌نیا، اکبر؛ جانعلیزاده، حیدر و عمرانی‌دهکهان، سجاد (۱۳۹۴). بررسی نقش یادگیری اجتماعی در تقلب دانشگاهی. مسائل اجتماعی ایران، ۶(۲)، صص ۷۱-۱۰۳. قابل‌بازيایی ازلینک:

<https://jspi.khu.ac.ir/article>

۱۰- فرجیها، محمد و جوادی، حسین (۱۳۹۳). مطالعه جرم‌شناسی تخلفات و فساد اداری در بین کارکنان سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۴(۵۴)، صص ۲۴۳-۲۶۶. قابل‌بازيایی ازلینک:

<https://refahj.uswr.ac.ir/>

۱۱- کاتم، مارتا؛ اولر، بث‌دیتز؛ مسترز، الن؛ پرستون، توماس. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روان-شناسی سیاسی. کمال خرازی و جواد علاقبند راد، مترجمان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۲- کرمی، غلامحسین (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی پدیده قتل‌های ناموسی (به خاطر شرف) در استان خوزستان در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴. دانشگاه پیام نور تهران مرکز. تهران.

۱۳- نجات، علی. (۱۳۹۴). کالبد شکافی داعش؛ ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها و پیامدها. تهران: ابرار معاصر

۱۴- ویلیامز، فرانک‌پی و ماری‌لین‌دی، مک‌شین. (۱۳۸۶). نظریه‌های جرم-شناسی. حمیدرضا ملک‌محمدی، مترجم. تهران: نشر میزان.

۱۵- هوشیاری، داریوش؛ اسماعیلی، مهدی و کلانتری، کیومرث (۱۴۰۱). تحلیلی بر کنترل کیفری در مقابله با وندالیسم. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳(۱)، صص ۲۸۹-۳۱۴. قابل‌بازيایی ازلینک:

<https://jol.guilan.ac.ir/article>

ب) منابع لاتین

- ۱۶- Akers, R. M. Arvind, K. Onnlanza, K.(۲۰۰۷).Social Learning and Deviant Behavior: A Specific Test of a General Theory.Journal of Western Criminology Review,۴۴,pp.۶۳۶-۶۵۵. Retrieved from: <https://www.semanticscholar.org/>
- ۱۷- Akers, R. Gary, F. J.(۱۹۸۰).Empirical Status of Social Learning Theory of Crime and Deviance: The Past, Present and Future.Journal of Social Forces.۴۳(۲).pp.۴۰۰-۴۳۰. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/>
- ۱۸- Akers, R. L. and Burgess, R. L.(۱۹۶۶).A Differential Association-Reinforcement Theory of Criminal Behavior.Social Problems,۱۴(۲).pp.۱۲۸-۱۴۷. Retrieved from: <https://psycnet.apa.org/>
- ۱۹- Akers, R. L.(۱۹۹۹).Social Learning and Social Structure: Reply to Sampson,Morash,and Krohn, in Symposium on Social Learning and Social Structure.Theoretical Criminology,۳ (۴).pp.۴۷۷-۴۹۳. Retrieved from: <https://heinonline.org/>
- ۲۰- Akers, R. L & La Greca, A. J. & Cochran, J. & Sellers, C.(۱۹۸۹).Social learning theory and alcohol behavior among the elderly.The Sociological Quarterly,۳۰(۴).pp.۶۲۵-۶۳۸. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/>
- ۲۱- Akers, R. L. & Krohn, M. D. & Lanza-Kaduce, L. & Radosevich, M.(۱۹۷۹).Social Learning and Deviant Behavior: A Specific Test of a General Theory.American Sociological Review, ۴۴(۴).pp.۶۳۶-۶۵۵. Retrieved from: <https://link.springer.com/>
- ۲۲- Akers, R. L., & Jensen, G. F.(۲۰۰۶).The empirical status of social learning theory of crime and deviance: The past, present, and future. NJ: Transaction Publishing.

- ۲۳- Akers, R. L.(۱۹۷۷).Deviant Behavior: A Social Learning Approach.^{۲nd} ed,Belmont: Wadsworth.
- ۲۴- Akers, R. L.(۱۹۸۵).Social Learning Theory and Adolescent Cigarette Smoking,Social Problems,۳۲(۵).pp.۴۵۸-۴۷۵.
Retrieved from: <https://www.jstor.org/stable/۸۰۰۷۷۵>
- ۲۵- Akers, R. Lee, G.(۱۹۹۶).A Longitudinal Test of Social Learning Theory: Adolescent Smoking.Journal of Drug Issues,۲۶(۲).pp.۳۱۷-۳۴۳. Retrieved from: <https://journals.sagepub.com/>
- ۲۶- Akers, R. L.(۱۹۹۴).Criminological Theories: Introduction and Evaluation.Los Angeles: Roxbury.
- ۲۷- Borum, R.(۲۰۰۴).Psychology of terrorism.Tampa: University of South Florida.
- ۲۸- Chappell, A. Piquero, A.(۲۰۰۴).Applying Social Learning Theory to Police Misconduct. Journal of Deviant Behavior,۲۵(۲).pp.۸۹-۱۰۸. Retrieved from: <https://www.odu.edu/>
- ۲۹- Goldberg, A. Toto, J. Kulp, H. Lloyd, M. Gaughan, J. Seamon, M. Charles.(۲۰۱۰).An Analysis of Inner-City Students' Attitudes Towards Violence before and after Participation in the "Cradle to Grave" Program. Journal of Injury, Int. J. Care Injured,۴۱(۱). pp.۱۱۰-۱۱۵. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/>